

سروران روحانی الله ابھی

همانگونه که میدانیم از جمله صفات توصیه شده در امر مبارک برای هر فرد بهائی مزین شدن به زیورخلوص است که می بایست چه در اعمال و چه در گفتار او ظاهر و بارز گردد. و بر طبق آثار مبارکه الهیه خلوص به مثابه محکی است که عملی و یا قولی به واسطه آن سنجیده شده و مورد رضایت حق قرار میگیرد.

نقل است که جناب طراز الله خان سمندری کلمه "للهیت" را برای این صفت به کار می بردند میفرمودند(خلوص) یعنی انسان لله و فی الله حرف بزند، لله و فی الله قدم بردارد، نه به خاطر اینکه اسمی داشته باشد، کسی تعریف بکند، کسی بفهمد یا نامه ای برسد و اظهار قدردانی بشود. اگر حق بداند و او راضی باشد کافی است."

طراز الهی ج 1 ص 23

در این برنامه سعی بر آن است که آثار مبارکه ای را در این خصوص مطالعه نمائیم و با تأمل در آنچه زیارت میشود هر کدام سعی نمائیم بیش از پیش خود را به این صفت مبارکه بیارائیم

در این مسیر توفیق حق یارتان باد

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

از مقتضای عبودیت خلوص نیت و فنا و محویت است " .

مکاتیب ج 8 ص 167

عنوان: اس اساس دیانت خلوص است

قسمت روحانی

1. مناجات شروع
2. مناجات دوم
3. کلمات مبارکه مکنونه
4. کنز سوم
5. بیان مبارک حضرت بهاء الله
6. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

7. نیت خیر
8. بیانات حضرت ولی عزیز امرالله
9. قسمتی از هدايات بيت العدل اعظم الهی خطاب به احبای ایران
10. حکایت
11. شور و مشورت
12. برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعي

13. الفت و پذيرائي

14. مناجات خاتمه(به انتخاب جمع)

1. مناجات شروع

هو الابهي

اقرأ هذا الدعاء في كل صباح و مساء

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتْ شَمْسُ أَمْرِكَ عَنْ أَفْقٍ وَحَيْكَ بِأَنْ لَا تَجْعَلَنَا مُحْرَمًا مِنْ نَفَحَاتِ الَّتِي تَمَرُّ عَنْ شَطْرِ عَنَائِكَ ثُمَّ اجْعَلْنَا يَا إِلَهِي خَالصًا لَوَجْهِكَ وَ مَنْقَطَعًا عَمَّا سِوَاكَ ثُمَّ احْشُرْنَا فِي زَمْرَةِ عِبَادِكَ الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمْ إِشَارَاتِ الْبَشَرِيَّةِ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَنْظَرِ الْأَحَدِيَّةِ أَيَّ رَبِّ فَادْخُلْنَا فِي ظِلِّ رَحْمَتِكَ الْكَبِيرِ ثُمَّ احْفَظْنَا مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاسْمِكَ الْأَبْهِيِّ وَ أَشْرَبْنَا زَلَالَ خَمْرِ عَنَائِكَ وَ رَحِيقِ فَضْلِكَ وَ الطَّافِكِ وَ أَنْتَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ أَيَّ رَبِّ فَاسْتَقِمْنَا عَلَى حَبِّكَ بَيْنَ خَلْقِكَ لِأَنَّ هَذَا أَعْظَمَ عَطِيَّتِكَ لِبَرِيَّتِكَ وَ أَنْتَ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ادعیه محبوب ص 198

هُوَ اللَّهُ

ای دلبر آفاق و ای معشوق هر بندهء مشتاق این نفوس به فضل و موهبت نفیسنند و این اشخاص اهل اخلاص هر یک ماهی تشنه لبند و در غایت عطش آرزوی دریای تو نمایند و مرغان چمنستان هدایتند و به تسبیح و تهلیل تو پردازند مشتاقان روی دلجوی تو اند و مفتونان خلق و خوی تو و شب و روز به جان و دل در جستجوی تو و در آرزوی وصول شهر و کوی تو دلبرا دلها را بربا دلدارا به امید وصال نوازش نما دل نشینا به رجای وصال کام آنان را شیرین فرما کلّ را سرمست بادهء سرور کن و از جذب و شوق و وله و شور نصیب موفور بخش دلها خرم کن و جانها به جانان رسان هر چند این جهانی اند به جهان دیگر آگاه فرما و از نسیم گلشن ملکوت ابهی مشامها معطر فرما قوّت آسمانی بخش و قدرت ربّانی ده نطق فصیح عنایت کن و بیان بلیغ بیاموز تا هر یک در این گلستان الهی مانند طیور آسمانی گلبانگ حقایق و معانی زنند و آهنگ معنوی بلند نمایند ای خدای مهربان این موهبت ارزان فرما و این عنایت شایان و رایگان کن توئی مستعان و توئی مَنان لا اله الا انت الرَّبُّ الْمُعْطِي الْكَرِيمُ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ . ع ع

مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص 193

5- بیان مبارک حضرت بهاء الله

"باید مدّعی محبّت الهی الیوم بجمیع شئون از دونش ممتاز باشد . قبول امر و اعتراف بحق محض ادّعا نبوده و نیست چنانچه جمیع ناس الیوم مدّعی این مقامند ... ای دوستان خالصاً لله حرکت نمائید و لَوْجِه الله تکلم کنید . کلمه ای که لله از سماء قلب حرکت نماید و از افق لسان اشراق کند البتّه مؤثر خواهد بود . از تأثیرات اعمال غافل نباشید لَعَمْرُ الله اگر نفسی به تأثیرات اعمال و اقوال طیبه و خبیثه مطلع شود ابدأً بهیچ مکروهی التفات ننماید و جز خیر محض و معروف صرف از او ظاهر نشود."

ص ۹-۲۸ فضائل اخلاق

یا ابن الرّوح

فی اوّل القول املک قلباً جيّداً حسناً منيراً لتملک ملکاً دائماً باقياً ازلاً قديماً

ای بظاهر آراسته و بیاطن کاسته

مثل شما مثل آب تلخ صافیست که کمال لطافت و صفا از آن در ظاهر مشاهده شود چون بدست صراف
ذائقه احدیه افتد قطرهئی از آن را قبول نفرماید بلی تجلی آفتاب در تراب و مرآت هر دو موجود ولکن از
فرقدان تا ارض فرق دان بلکه فرق بی منتهی در میان

ای دوستان من

سراج ضلالت را خاموش کنید و مشاعل باقیه هدایت در قلب و دل برافروزید که عنقریب صرافان وجود
در پیشگاه حضور معبود جز تقوای خالص نپذیرند و غیر عمل پاک قبول ننمایند

ای پسران آدم

کلمه طیبه و اعمال طاهره مقدسه بسماء عزّ احدیه صعود نماید جهد کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت
نفس و هوی پاک شود و بساحت عزّ قبول درآید چه که عنقریب صرافان وجود در پیشگاه حضور معبود
جز تقوای خالص نپذیرند و غیر عمل پاک قبول ننمایند اینست آفتاب حکمت و معانی که از افق فم
مشیت ربّانی اشراق فرمود طوبی للمقبلین

حضرت بهاء الله می فرمایند :

کنز ثالث :.. اگر يك نفس غنی که غنای او بالاتر از اندازه احصاء و تعداد عباد باشد با يك شخص فقیری که فقر و مسکنتش مانند غنا و ثروت این شخص غنی در منتهی درجه باشد و این شخص غنی بمرور ایام در انعام واحسان واکرام آن فقیر چنان جهد و مبالغه نماید که او را مانند ابتدای حال خود غنی و خود را چون ابتدای حال او فقیر سازد و پس از آن، از قضایای اتّفاقیّه این شخص غنی سابق مقروض و بسبب وجهی قلیل گرفتار گردد و از ادای آن دین اظهار عجز نماید و در میان چهار سوق و معبر عامّ سیاست و ضرب و تعذیب او قیام نمایند که تا آن وجه بحصول نرسد علاجی برای استخلاص او متصوّر نگردد و در این ما بین آن شخص فقیر اوّل که بسبب این اوّل غنی آفاق شده بر این شخص گرفتار مبتلا گذر نماید و نظر این گرفتار مبتلا به رفیق خود بیفتد و در قلبش خطور نماید که ایکاش آن رفیق من نظر بآن احسانهائی که باو نموده ام مرا از این بلیّه نجات دهد. بمحض خطور این خیال که من به او احسان نموده ام جمیع اعمالش از درجه قبول هبوط نماید و از فوز رضا محروم و از حقیقت انسانیت محجوب ماند و نیز اگر آن شخص غنی ثانی که بدولت آن مدیون مبتلا، بآن درجه از غنا رسیده در دلش خطور نماید که خوبست که بسبب محبتهای بی انتهائی که بمن نموده از این شدت خلاصش سازم و بقیّه عمر براحتش پردازم این شخص نیز بواسطه این خیال که به ازای انعام و محبت او خلاصش نموده نه بصرف انسانیت از کأس خلوص بی بهره ماند و رخت خود را با این همه غنا به وادی مذلت و مسکنت ابدی کشاند مگر آنکه عمل آن غنی اوّل در کلّ آن احسانهائی که کرد محض انسانیت خالصاً لوجه الله باشد و عمل آن غنی آخر نیز لله و فی الله بدون ملاحظه سابق و لاحق... .

6-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"ثالث منقبت عالم انسانی نیت خیر است و نیت خیر اساس اعمال خیریه است و بعضی از محققین نیت را مرجح بر عمل دانسته اند زیرا نیت خیریه نور محض است و از شوائب غرض و مکر و خدعه منزّه و مقدّس ولی ممکن که انسان بظاهر عمل مبروری مجری دارد ولی مبنی بر اغراض نفسانی باشد . مثلاً قصاب گوسفندی را پروراند و محافظه کند ولی این عمل مبرور قصاب مبنی بر غرض انتفاع است و نتیجه این پرورش، ذبح گوسفند مظلوم است . چه بسیار از اعمال مبرور که مبنی بر اغراض نفسانیه است اما نیت خیریه مقدّس از این شوائب " .

مفاوضات (گلزار تعالیم بهائی ص 244)

"ای حزب الله هر نفسی را مشاهده کنید که توجّه تامّ بامرالله دارد و مقصد محصور در نفوذ کلمه الله ، شب و روز به نیت خالصه خدمت امرمینماید و ابداً در روش و سلوک رائحه خود خواهی و اثری از غرض شخصی نیست بلکه سرگشته بیابان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله ، منهمک در نشر نفحات الله و منجذب بآیات ملکوت الله ، یقین بدانید موفق ملکوتی شود و مؤید آسمانی گردد و مانند ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی بنهایت نورانیت درخشنده و تابنده خواهد شد و اگر بشائبه هوی و هوس و خود پرستی مشوب ، یقین است که مساعی عاقبت بی نتیجه ماند و محروم و مأیوس گردد " .

ص ۱۰۷ حیات بهائی

7- نیت خیر

حُسن نیت بجهت اعمال حسنه لازم است . تا نیت خیر که بمنزله ریشه و اصل محکم متین است نباشد شجره عمل بار و برکت و نتیجه حاصل ننماید و ثمرات طیبه نبخشد . اساس اعظم برای حصول نتایج حسنه اعمال اهل عالم ، حُسن نیت است . نیت خیر ریا و نفاق قبول ننماید چه بسا میشود که نفسی عمل خیری مینماید ولی نیتش خالص نه یا برای شهرت است یا بجهت عزت یا آرزوی غرور و نخوت است یا محض ریا و ریاست . اینگونه اعمال نتایج باقیه ندارد و سبب فوائد عمومیه نگردد عالم انسانی را روشن نکند و آسایش و سعادت ابدی نبخشد ولو بظاهر اساس متین داشته باشد ولی اگر با حُسن نیت و طویبت مقرون شود عالم انسانی زنده نماید ناسوت را نمونه ملکوت سازد روی زمین را آئینه بهشت برین کند . چون درست ملاحظه نمائید یقین کنید که این قسم نوایای صادقه و نیت خالصه از قوه کلمة الله و نفوذ دین الله حاصل گردد و محبت صمیمی و خلوص قلبی و خدمت به عالم انسانی از روحانیت ایمان و عرفان الهی در نفوس بشری ظهور و بروز نماید " .

ص ۲ - ۳۳۱ ج ۲ بدائع الآثار

9- قسمتی از هدایات بیت العدل اعظم الهی خطاب به احبای ایران

احباء هم باید به اداره امور جامعه خود پردازند، هم وظایف روحانی انفرادی خود را انجام دهند و هم در کمال محبت و مهربانی یکدیگر را حمایت و تشویق نمایند. لازمه موفقیت در این راه اینست که با ایمان به قدرت میثاق و قوه کلمة الله بیش از پیش مطمئن باشند که موانع موجود از بین خواهد رفت و امور جامعه اسم اعظم مجدداً به نظم و ترتیب دلخواه تمشیت خواهد یافت. آنچه باید مورد توجه خاص قرار گیرد آنست که با وجود روشن نبودن جزئیات در بسیاری از امور برای احاد احباء در این ایام یکی از اساسی ترین مسئولیت های دوستان حضرت رحمان آنست که از انتقاد و یا تجزیه و تحلیل رفتار همدیگر پرهیزند، به حسن نیت یکدیگر اطمینان داشته باشند و علی رغم فشارها و تضیقات وارده ، وحدت

14 مارچ 2015

جامعه را حفظ نمایند

بیانات حضرت ولی محبوب امرالله

ای کاش احبّاء می‌توانستند پی ببرند که جلال امر مبارک عبارت از نفوسی با قابلیت‌های منحصر به فرد برای انجام دادن امور امریه نیست، بلکه این امور با ایثار نفوس محبّ و مخلصی عملی می‌شود که در کمال خلوص و از خودگذشتگی قیام می‌کنند که اموری را به عهده بگیرند که بعضی اوقات خودشان معتقدند برای حصول مقصود قابلیت لازم را ندارند. خداوند از طریق آنها عمل می‌کند و آنها را به مواهبی مزین می‌سازد که حتی در رؤیا نمی‌دیدند که بتوانند حائز شوند."

Quickeners of Mankind

تا این دو شرط یعنی خلوص نیت و حکم بر نفس و مشتتهیات آن عموماً کاملادر جامعه بهایی تاسیس و استقرار نیابد اتحاد و اتفاق در هیچ نقطه ای و در هیچ امری غیر ممکن . و تا اتحاد و اتفاق کامل در بین احبا جلوه ننماید و محکم و ثابت نگردد امر عزیز الهی در حالت توقف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم .

توقیعات 1922-1926 ص 192

یک بار حضرت عبدالبهاء داستان زیر را برای یکی از زائرین تعریف کردند. ایشان در پایان مصاحبه به دورانی پرداختند که همراه با گروهی، از جمله یک تاجر، هم‌سفر بودند. وقتی کاروان در روستایی توقف کرد، تعدادی از نفوس دور آنها جمع شدند تا با حضرت عبدالبهاء ملاقات کنند. بعداً، مسافران به سفر خود ادامه دادند و وقتی در شهر دیگری توقف کردند همان اتفاق افتاد و باز هم بارها تکرار شد. تاجر متوجه این محبت و احترام واقعی شد که نفوس نسبت به حضرت مولی‌الوری نشان می‌دادند. سپس حضرت عبدالبهاء را به کناری کشید و ابراز تمایل کرد که بهائی شود. وقتی حضرت عبدالبهاء از او پرسیدند که چرا مایل به چنین کاری است، بدون هیچگونه شرم و آزر آشکاری، اظهار داشت، "شما بهائی هستید و هر جا که می‌روید جمعیت زیادی دور شما جمع می‌شوند تا با شما ملاقات کنند، در حالی که ابداً کسی سراغ من نمی‌آید. پس مایلم که بهائی شوم".

حضرت عبدالبهاء به بررسی بیشتر پرداختند. از او پرسیدند که آیا این دلیل واقعی او است. تاجر با صراحت اظهار داشت، "گمان می‌کنم که برای کار و کسب من هم مفید باشد، زیرا همه این مردمان به سوی من خواهند آمد".

در این موقع با صراحت لهجه به او گفته شد، "بهائی نشوید. برای شما بهتر آن است که همان باشید که هستید".